



The Evolution of the Concept of Asylum in the Light of the New Rules of International Law

Hamid Alirezaei¹, Mohammadreza Hakakzadeh^{2*}, Mohammadali Kafaefar³

1. PHD Student of Public International Law, Department of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Public International Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 661-678

Article history:

Received: 6 Jan 2024

Edition: 18 Apr 2024

Accepted: 10 Jun 2024

Published online: 28 Jan 2025

Keywords:

asylum, international law, state-oriented asylum, human-oriented asylum, refugee convention.

Corresponding Author:

Mohammadreza Hakakzadeh

Address:

Iran, Qom, Islamic Azad University, Qom Branch, Department of Public International Law.

Orchid Code:

0000-0002-6226-0321

Email:

hakakreza@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: the number of refugees in the world, legal inadequacies in this field, international conflicts, social and economic most important elements of international law in the current era. Accordingly, the purpose of this article is to examine the evolution of the concept of asylum in the light of the new rules of international law.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that the beginning of the formation of refugee rights happened after the Second World War with the approval of the United Nations Charter in 1951 and the additional protocol of 1967. The 1951 Geneva Convention and its annexes, the is that the process of international law transformation from the current state-centered state to a human-centered state and paying attention to the rights of individuals is changing.

Conclusion: The 1951 Geneva Convention and its amending protocol are still the legal basis for supporting the rights of refugees at the global level. Asylum rules and regulations have faced many problems during implementation due to the lack of strong executive support. It seems that in the near future we will not be able to see a change in the rights of refugees, especially since the approaches to deal with refugees in Europe call for restrictions in this field.

Cite this article as:

Alirezaei H, Hakakzadeh MR, Kafaefar MR. The Evolution of the Concept of Asylum in the Light of the New Rules of International Law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



تحول مفهوم پناهندگی در پرتو قواعد جدید حقوق بین‌الملل

حمید علیرضائی^۱، محمدرضا حکاک‌زاده^{۲*}، محمدعلی کفایی‌فر^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کثرت پناهندگان در جهان، نارسایی‌های حقوقی در این زمینه، عملکرد ناهماهنگ کشورها، منازعات بین‌المللی، تبعیضات اجتماعی و اقتصادی باعث افزایش قابل توجه تعداد پناهندگان و هم‌چنین پیچیده شدن ابعاد حقوق پناهندگان به‌عنوان یکی از با اهمیت‌ترین عناصر حقوق بین‌الملل در عصر کنونی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی تحول مفهوم پناهندگی در پرتو قواعد جدید حقوق بین‌الملل است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: آغاز شکل‌گیری حقوق پناهندگان پس از وقوع جنگ جهانی دوم با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ اتفاق افتاده است. از جمله اسناد قابل استناد پیرامون موضوع پناهندگی می‌توان کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و الحاقیه آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر را بیان کرد.

نتیجه: مبنای قانونی قابل استناد جهت پشتیبانی از حقوق پناهندگان در سطح جهانی و کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و پروتکل اصلاحی آن است. قواعد و مقررات پناهندگی به سبب فقدان پشتوانه اجرایی قوی، در هنگام عمل با مشکلات فراوانی مواجه بوده است. به نظر می‌رسد در آینده نزدیک نمی‌توان شاهد تغییر در حقوق پناهندگان بود؛ به خصوص که رویکردهای مقابله با پناهندگی در اروپا خواستار ایجاد محدودیت در این زمینه است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۶۱-۶۷۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

واژگان کلیدی:

پناهندگی، حقوق بین‌الملل، پناهندگی دولت‌محور، پناهندگی انسان‌محور، کنوانسیون پناهندگی.

نویسنده مسئول:

محمدرضا حکاک‌زاده

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، گروه حقوق بین‌الملل عمومی.

کد ارکید:

۰۰۰۰-۰۰۰۲-۶۲۲۶-۰۳۲۱

پست الکترونیک:

hakakreza@gmail.com

۱. مقدمه

به‌عنوان مبنای رفتار و در جهت حمایت بین‌المللی از پناهندگان استفاده می‌شود اشاره خواهد شد. در خصوص موضوع مورد بحث در این مقاله پژوهش‌های مرتبطی نیز صورت گرفته است (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۴). بیان می‌کنند که حضور بیگانگان در قلمرو سایر کشورها، دیگر موضوع جدیدی نبوده و بیگانگان از حداقل حقوق پذیرفته شده کشورها برخوردار هستند (رزمخواه، ۱۳۹۹). با اندکی کنکاش در قوانین جاری بین‌المللی حقوقی، به شناخت منافع و نیازهای پناهندگان می‌پردازد. در انتها نیز در پی این مطلب است که آیا دولت‌ها می‌توانند با پناهندگان رفتار تبعیض آمیزی داشته باشند؟ همان‌گونه که می‌بینیم، در این مقاله به موضوع تکریم پناهندگان، رسیدگی به نیازهای آن‌ها و رفتار دولت‌ها پرداخته شده است (ها تاوی، ۲۰۲۱). به ابعاد مختلف حقوق پناهندگان و تکالیف کشورهای پناهنده‌پذیر می‌پردازد. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که هدف این مقاله بررسی این سؤال است که مفهوم پناهندگی در پرتو قواعد جدید حقوق بین‌الملل دچار چه تحولاتی شده است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا به حقوق و تکالیف پناهندگان اشاره شده، سپس تحولات حقوق پناهندگان در طرح اتحادیه اروپا، آفریقا و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

موضوع مهاجرت و پناهندگی همواره با بشر همراه بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، با گسیل سیل پناهندگان کشورهای جهان سومی به کشورهای صنعتی، موضوع حقوق پناهندگان در جهت حفظ کرامت انسان‌ها و ایجاد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بیش از پیش مورد توجه حقوق‌دانان واقع شد و در قالب مقاوله‌نامه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفت. پیش از آغاز قرن بیستم، دولت‌ها طبق حقوق داخلی خود با پناهندگان رفتار می‌کردند. در شرایط کنونی نیز تحت تأثیر جنگ‌های داخلی و فعالیت گروه‌های تروریستی در مناطقی چون خاورمیانه و شرایط نامساعد اقتصادی، شاهد موج گسترده‌ای از پناهندگی در جهان هستیم که به‌عنوان یک معضل و چالش جهانی، بررسی ابعاد حقوقی پناهندگی را به یک ضرورت مبدل ساخته است. حقوق مربوط به پناهندگان از موضوعات نوین و با اهمیت حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. ریشه واژه پناهندگی از کلمه یونانی *Asylon* به معنی "عدم توقیف" اقتباس شده است. به موضوع پناهندگی در کنوانسیونها و اعلامیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی همچون ماده ۱۸ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا که از سال ۲۰۰۹ به‌عنوان بخشی از معاهده لیسبون تلقی می‌شود و صراحتاً بر "حق پناهندگی" تأکید دارد، اشاره شده است. آغاز شکل‌گیری حقوق بین‌المللی پناهندگان به زمان تأسیس جامع ملل برمی‌گردد. این قوانین و دستورالعمل‌ها عمدتاً به‌صورت منطقه‌ای و جهانی گردآوری شده و به شکل عرف، مورد پذیرش و استفاده کشورهای قرار گرفته است. در پژوهش ذیل به برخی از مهم‌ترین این اسناد حقوقی بین‌المللی که

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد آغاز شکل‌گیری حقوق پناهندگان پس از وقوع جنگ جهانی دوم با تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی ۱۹۶۷ اتفاق افتاده است. از جمله اسناد قابل استناد پیرامون موضوع پناهندگی می‌توان کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و الحاقیه آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر را بیان کرد. نکته قابل توجه در این راستا، اینکه فرآیند تحول حقوق بین‌الملل از حالت دولت محوری فعلی به حالت انسان محوری و توجه به حقوق افراد در حال تغییر است.

۵. بحث

واژه فارسی پناهنده به کسی گفته می‌شود که به خاطر ترس از شکنجه شدن به دلیل ملیت، ایدئولوژی، عضویت در گروه‌ها و یا داشتن عقاید خاص (اجتماعی یا سیاسی) در سرزمینی به غیر از سرزمین مادری خود ساکن باشد و تمایلی جهت بازگشت به وطن اصلی خود را نداشته باشد. بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱، غالباً فردی که به دلیل ترس موجه از خطر شکنجه روحی و فیزیکی، زندان و مرگ به خاطر فعالیت‌های عقیدتی، جنسی، نژادی، زبانی، ملی و قومی مورد پیگرد و تعقیب قرار گرفته و در نتیجه به مکانی دیگر پناه ببرد. مطابق کنوانسیون ۱۹۶۹، هر شخصی که به علت تعرض بیگانگان، تصرف، تسلطه اجنبی یا هر رویدادی که قوانین عمومی حاکم بر تمام یا بخشی از کشور اصلی

یا متبوع خویش را مخدوش نماید، مجبور به ترک وطن و یافتن پناهگاه در کشوری غیر از کشور اصلی خود شود، اطلاق می‌گردد.

پناهندگی به دلایل مختلفی انجام می‌شود: (۱) ترس موجه: بر اساس اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان، آزار یا ترس از آزار بر مبنای دلایل معقول به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا عقیده سیاسی. (۲) آزار: در ضمیمه اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان و در تبیین کلمه "آزار"، اعتراض وقتی موجه تلقی می‌شود که ترس افراد بر مبنای عقلایی و بر مبنای آزاری که به خاطر نژاد یا مذهب انجام شده باشد، صورت پذیرد. (۳) فقدان حمایت دولت: پناهندگی، حمایت جایگزینی است که با فقدان حمایت ملی فعال می‌شود. هدف اصلی کنوانسیون ۱۹۵۱ در مورد وضعیت پناهندگی، حمایت از پناهندگان، حفظ حقوق اولیه مدنی و سیاسی اشخاصی است که با عدم حمایت دولت مواجه می‌شوند است (کیهانلو، ۱۳۸۵، ۶۹). (۴) رابطه سببیت: منظور از رابطه سببیت به عنوان یکی از دلایل مندرج در کنوانسیون ۱۹۵۱، وجود یک رابطه علت و معلولی میان ترس موجه از مورد آزار قرار گرفتن می‌باشد که بر اساس رویه‌های قضایی، رابطه سببیت باید به طور صریح وجود داشته و به روشنی اثبات گردد (موسی‌زاده؛ کهریزی، ۱۳۹۶، ۵). وضعیت پناهندگی: پناهنده بر اساس مواد کنوانسیون، فردی است که به دلیل داشتن یکی از وضعیت‌های مذهب، عقیدتی سیاسی، عضویت در گروه اجتماعی خاص، ملیت و یا نژاد مورد تهدید یا آزار قرار گرفته و به خاطر ترس از آزار، ترک وطن نموده است.

پارلمان، مشاغل عالی نظامی و سیاسی و نظایر آن‌ها) که وظیفه آن شرکت در قسمتی از فعالیت‌ها و وظایف دولت به عنوان قدرت عمومی حاکم باشند، بکارگیری ننمایند. در بحث حقوق خصوصی، اولین چیزیکه به ذهن انسان خطور میکند حق زندگی است. با پیدایش مفاهیمی مانند دولت، شهروند و بیگانه و مسائل حقوقی که پناهندگان به‌عنوان یک فرد خارجی می‌توانستند در قلمروی حاکمیت یک دولت داشته باشند مطرح گردید. بدین سان که اصولاً شخص پناهنده می‌تواند در خارج از قلمرو دولت متبوع خود، از حقوقی نظیر دارا شدن اموال بهره‌مند گردد. شرط کالوو یکی از موضوعات مهم مرتبط با حقوق پناهندگان است. به موجب این شرط شخص بیگانه در برابر دولت محل استقرار تعهد می‌کند که در صورت سلب مالکیت از وی، از پیگیری دعوی در محاکم بین‌المللی تحت حمایت دولت متبوع خود خودداری ورزد و صرفاً به محاکم داخلی همان کشور رجوع نماید. یکی از حقوق بنیادین پناهندگان در یک کشور این است که حق داشته باشند به‌عنوان خواهان یا خوانده یا شاهد به دادگاه‌های کشور محل اقامت مراجعه کنند. دولت‌ها مکلف هستند تا از حقوق و منافی که پناهندگان در کشور آن‌ها یا هر کشور دیگری به‌طور قانونی به دست آورده‌اند حمایت نمایند مگر آنکه انتفاع از این حقوق به‌وسیله پناهندگان باعث شود امنیت ملی و نظم عمومی به نحوی که کشورهای متمدن می‌شناسند دستخوش تغییر شود (قدیر و کاظمی فروشانی، ۱۳۹۷، ۱۲۹).

البته پناهنده در قبال حقوق مورد اشاره دارای تعهداتی و تکالیفی نیز می‌باشد. به استناد ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، شخص پناهنده در کشور

در دوران جامعه ملل (۱۹۲۰ لغایت ۱۹۴۶) اقدامات متعددی در قبال گروه‌های مختلف آوارگان از جمله پناهندگان به عمل آمد. جنگ جهانی اول و انقلاب‌های بزرگ متعاقب آن باعث گسیل جمعیت وسیعی از پناهندگان به سوی کشورهای خارجی شد. در میثاق جامعه ملل آن دوران هیچ اشاره‌ای به وضعیت پناهندگان نشده بود.

پناهندگان و حقوق مرتبط با آن‌ها از سال ۱۹۴۵ به بعد از اهمیت بالاتری برخوردار شد. در اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان در سال ۱۹۴۸، به آوارگان قبل از جنگ و آوارگان زمان جنگ جهانی دوم به‌صورت مستقیم اشاره شده و اصطلاح پناهنده را شامل حال کلیه افرادی می‌داند که نمی‌توانستند یا بنا به هر دلیل قابل دفاعی متمایل نبودند تا از پشتیبانی کشور اصلی خود متنفع شوند. با تأسیس کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور متقاضیان پناهندگی در سال ۱۹۵۱، مسئله پناهندگی با تغییرات اندکی همراه شد و اصطلاح "پناهنده" به فردی اطلاق شد که به دلیل ترس از پیگرد به انگیزه نژاد، مذهب، ملیت و یا عقیده سیاسی از قلمرو کشور اصلی خود یا آخرین کشور محل اقامت خارج شده و به خاطر همین ترس موجه نتواند یا تمایل نداشته باشد تا از پشتیبانی کشور اصلی خود یا آخرین کشور محل اقامت برخوردار شود.

۵-۱. حقوق پناهندگان و منابع حقوقی آن

در بحث حقوق عمومی و امتیازات مرتبط با پناهندگان، مستثنی نمودن حقوق و آزادی‌های سیاسی غیر قابل اجتناب است. بر این اساس امروزه دولت‌ها مجازند تا پناهندگان را در مشاغل عمومی نظامی و غیر نظامی یا هر شغل دیگری (مانند

محل اقامت، مکلف است تا خود را با قوانین و مقررات حافظ برقراری نظم عمومی آن کشور منطبق نماید. حق اعمال صلاحیت کشورها در برابر وقوع جرائمی علیه امنیت، استقلال، منافع حیاتی و اقتصادی را اصل صلاحیت حمایتی می‌گویند که در قالب قوانین جزایی کشورها از جمله ایران موجود است. اخراج پناهنده موقعی قانونی است که اولاً دلایل مشروع و منطقی وجود داشته باشد، ثانیاً، در شرایط انسانی و رعایت مهلت‌های متعارف صورت پذیرد (سیفی اتشگاه، ۱۳۹۹، ۷۹)

متقاضیان پناهندگی و حقوق مربوط به آن‌ها را می‌شود از دو دیدگاه مورد واکاوی قرار داد. این حقوق از یک سو جنبه داخلی داشته و از سوی دیگر جنبه بین‌المللی دارد. اگر چه بعد بین‌المللی آن تأثیر مهمی در رشد و توسعه بعد داخلی آن داشته، ولی واقعیت این است که رشد بعد بین‌المللی حقوق پناهندگی معاصر خود عمدتاً به دلیل ضعف عملکرد نظام‌های داخلی و کارنامه غیر قابل قبول آن‌ها در این زمینه است. به عبارت دیگر، نقض گسترده حقوق پناهندگان در عرصه داخلی کشورها باعث گسترش آن در عرصه بین‌المللی شده است. به منظور واکاوی حقوق پناهندگان، توجه به حقوق تک تک افراد (حقوق بشر) به‌عنوان لایه‌ای از حقوق بین‌الملل از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. معاهدات، اصل عرف، اصول کلی حقوق و تصمیمات قضایی را میتوان به عنوان منابع آن در نظر گرفت: الف) معاهدات: بدون شک معاهدات بین‌المللی در روابط بین کشورها نقش پررنگی ایفا می‌کنند، اما آیا در مورد شاخص‌های حقوق پناهندگی نیز این امر عینیت دارد؟ در حوزه شاخص‌های حقوق بشری، کشورها صرفاً نقش

محل اقامت، مکلف است تا خود را با قوانین و مقررات حافظ برقراری نظم عمومی آن کشور منطبق نماید. حق اعمال صلاحیت کشورها در برابر وقوع جرائمی علیه امنیت، استقلال، منافع حیاتی و اقتصادی را اصل صلاحیت حمایتی می‌گویند که در قالب قوانین جزایی کشورها از جمله ایران موجود است. اخراج پناهنده موقعی قانونی است که اولاً دلایل مشروع و منطقی وجود داشته باشد، ثانیاً، در شرایط انسانی و رعایت مهلت‌های متعارف صورت پذیرد (سیفی اتشگاه، ۱۳۹۹، ۷۹)

متقاضیان پناهندگی و حقوق مربوط به آن‌ها را می‌شود از دو دیدگاه مورد واکاوی قرار داد. این حقوق از یک سو جنبه داخلی داشته و از سوی دیگر جنبه بین‌المللی دارد. اگر چه بعد بین‌المللی آن تأثیر مهمی در رشد و توسعه بعد داخلی آن داشته، ولی واقعیت این است که رشد بعد بین‌المللی حقوق پناهندگی معاصر خود عمدتاً به دلیل ضعف عملکرد نظام‌های داخلی و کارنامه غیر قابل قبول آن‌ها در این زمینه است. به عبارت دیگر، نقض گسترده حقوق پناهندگان در عرصه داخلی کشورها باعث گسترش آن در عرصه بین‌المللی شده است. به منظور واکاوی حقوق پناهندگان، توجه به حقوق تک تک افراد (حقوق بشر) به‌عنوان لایه‌ای از حقوق بین‌الملل از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. معاهدات، اصل عرف، اصول کلی حقوق و تصمیمات قضایی را میتوان به عنوان منابع آن در نظر گرفت: الف) معاهدات: بدون شک معاهدات بین‌المللی در روابط بین کشورها نقش پررنگی ایفا می‌کنند، اما آیا در مورد شاخص‌های حقوق پناهندگی نیز این امر عینیت دارد؟ در حوزه شاخص‌های حقوق بشری، کشورها صرفاً نقش

۵-۲. سیر تحول قواعد پناهندگی

در اکتبر سال ۱۹۳۳ در ژنو، قراردادی راجع به وضع پناهندگان از لحاظ بین‌المللی (نخستین کنوانسیون در مورد وضعیت بین‌المللی پناهندگان) امضاء شد و به موجب آن حق کار، حق اقامت، عبور و مرور و حق بازگشت به کشوری که قرارداد را قبول کرده بود به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۳۵ طرح صدور گواهی هویت برای پناهندگان اجرا شد. در سال

با پناهندگان محسوب می‌شود. الگوهای مدرن پناهندگی بسیار پیچیده است و مخلوطی از مهاجرت‌های اقتصادی، سیاسی، پناهندگی‌های واقعی را شامل می‌شود.

۵-۲-۱. در سطح اتحادیه اروپا

مطابق قوانین سال ۱۹۹۸ فرانسه، "هر انسانی که به دلیل عملش به نفع آزادی تحت تعقیب و آزار باشد، دارای حق پناهندگی در سرزمین‌های جمهوری می‌باشد" و تا بررسی تقاضای وی، او می‌تواند موقتاً در فرانسه زندگی کند. حکومت ایتالیا حق پناه را در قانون اساسی ۲۲ دسامبر سال ۱۹۴۷ وارد ساخت. حکومت فدرال آلمان حق پناه را در قانون ۲۳ می سال ۱۹۴۹ درج نمود. در بلژیک حق پناه در قانون ۳۰ آوریل سال ۱۹۴۴ درج گردید. در اتریش حق پناه در قانون اصلاحی مصوب ۱۹۶۰ درج گردید. در سوئد حق پناه در قانون مصوب ۳۰ آوریل ۱۹۵۶ درج گردید.

نتیجه اقدامات شورای اروپا در توسعه و تکمیل قوانین حمایتی به نفع پناهندگان به شرح ذیل می‌باشد: (۱) در سال ۱۹۵۷ دولت‌های اروپایی قراردادی راجع به شرایط و ترتیب استرداد پناهندگان امضاء نمودند که بر اساس آن، استرداد مقصر سیاسی در هیچ موردی امکان پذیر نمی‌باشد. (۲) در سال ۱۹۵۹ قراردادی بین دول عضو شورا به امضاء رسید که به موجب آن اشخاصی که پناهنده شناخته شده اند میتوانند بدون نیاز به اخذ روادید، در ممالک اروپایی مسافرت نمایند. (۳) در سال ۱۹۶۳ جهت حمایت از پناهندگان، پروتکل چهارمی به قرارداد دول اروپایی اضافه شد که به موجب آن هر شخصی می‌تواند آزادانه هر کشوری از جمله کشور خویش را ترک نماید. (۴)

۱۹۴۹ در ژنو، قراردادی به منظور حفاظت از افراد غیرنظامی در هنگام جنگ به امضاء رسید. در سپتامبر سال ۱۹۵۴ قراردادی در مورد ممنوعیت بازگرداندن اجباری پناهندگان به تصویب رسید. در سال ۱۹۶۱ یک قرارداد عمومی به منظور کمک به افراد بی وطن و تابعیت اطفال اشخاص پناهنده به امضاء رسید و در سال ۱۹۶۷ پروتکلی درباره وضعیت پناهندگان امضاء شد که این سند مکمل قرارداد ژوئیه سال ۱۹۵۱ بود ولی محدودیت زمانی آن را نداشت. در همان سال، اعلامیه پناهندگی سرزمینی نیز در مجمع عمومی پذیرفته شد (موسی‌زاده و آذرپندار، ۱۳۹۷، ۱۷)

رویدادهای بین سال‌های ۱۹۵۰ لغایت ۱۹۹۰ بیانگر تحولات مهم و عظیمی همچون اتمام دومین جنگ جهانی، فروپاشی کمونیسم و بلوک شرق، پایان نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی، تشکیل دادگاه‌های جنایتکاران جنگی یوگسلاوی سابق و رواندا و بالاخره تغییر وضعیت مسئله پناهندگی از وضعیت افراد به مسئله جمعیت‌های انبوه و رقم بی سابقه ۲۳ میلیون پناهنده در جهان می‌باشد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، مسئله پناهندگی به یکی از مسائل مهم اجتماعی و سیاسی در سطح بین‌المللی تبدیل شد و روز به روز ابعاد گسترده تری به خود گرفت (علی‌نژاد دادرسا و تاجیک قلعه، ۱۴۰۱، ۵)

در سال‌های اخیر، تغییر الگوی مهاجرت جهانی و افزایش سریع تعداد افراد در حال جابه‌جایی، اعتبار کنوانسیون ۱۹۵۱ را (به‌ویژه در اروپا که به نوعی زادگاه اولیه این کنوانسیون محسوب می‌شود) زیر سوال برده است با این حال، این کنوانسیون همچنان مهمترین سند حقوقی بین‌المللی در رابطه

پناهندگی و مهاجرت، از دهه ۱۹۸۰ اقدام به ایجاد سیاست مشترک مهاجرتی با رویکرد امنیتی نمودند. افزایش همگرایی منطقه‌ای، توسعه جغرافیای اتحادیه، عجز کشورهای عضو اتحادیه در مدیریت موضوع و رشد پدیده چند ملیتی و چند قومی شدن باعث شد تا کشورهای عضو اتحادیه اروپا وادار به چاره اندیشی و مدیریت منسجم در زمینه مهاجرت با انگیزه اقتصادی، مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی، متقاضیان پناهندگی، آوارگان و کارگران غیربومی بر اساس صدور روادید مشترک (پیمان شنگن) نمایند (کالابریا، ۲۰۲۲). پس از تصویب پیمان آمستردام در سال ۱۹۹۹ و عملیاتی شدن پیمان شنگن به وسیله ۱۵ کشور عضو اتحادیه، منطقه‌ای تحت عنوان آزادی، عدالت و صلح ایجاد شد (کاستلو؛ ام‌سی، ۲۰۲۱). در دسامبر سال ۲۰۰۱ و پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، در کلیه تعهدات بین‌المللی اتحادیه اروپا از جمله پناهندگی و مهاجرت، کنترل مرزها، امنیت اسناد مربوط به سفر، اخراج مهاجران فاقد مدارک اقامتی معتبر و ... موضوع امنیت از اهمیت خاصی برخوردار شد (میتسیلیگاس؛ رایان، ۲۰۱۰، ۵۰).. از نکات برجسته اقدامات اتحادیه در برنامه سال ۲۰۰۴ لاهه، می‌توان به کنترل تعداد مهاجران، امنیت و مبارزه با مهاجران غیرقانونی اشاره کرد. بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دستور کار اتحادیه اروپا در خصوص موضوع پناهندگان و مهاجران بر اساس بند ۴ پیمان تأسیس جامعه اروپا تنظیم و به شدت محدود و تدقیق شد. کشورهای اروپایی در حال حاضر، اتحادیه اروپا را به‌عنوان مرجع صلاحیت دار قانونی جهت تعیین ساختار کلی مهاجرت و پناهندگی برگزیده‌اند. با تأمل در روند تحولات قانون‌گذاری مرتبط با موضوع مهاجرت و

در سال ۱۹۵۷ معاهده‌ای بین جامعه اقتصادی دول اروپایی به امضاء رسید که بر اساس مواد ۴۸ و ۵۲ آن، اتباع هر یک از طرف تعهد (من جمله پناهندگان) حق دارند در مملکت طرف تعهد دیگر به کار مشغول شوند.

پس از جنگ جهانی دوم و به بار آمدن خرابی‌های بی‌شمار، لزوم بازسازی اروپا موجب شد تا جمعیت زیادی از مهاجران به سمت این قاره سرازیر شوند. اولین سیاست کنترل جمعیت مهاجران در اروپا به بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰ مربوط می‌شود. در دهه‌های بعدی، سیل مهاجران با رویکرد تازه‌ای تحت عنوان پناهندگی توأم شد. از طرفی، وقوع بحران‌های جهانی در خاورمیانه و آفریقا و رویدایی همچون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، باعث گسیل جمعیت عظیمی از مهاجران به سمت این قاره شد. جمیع این وقایع به همراه خواسته عموم مردم سبب شد تا سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان به فکر حفاظت از اروپا در برابر امواج ناخواسته مهاجران بیفتند. لذا اتحادیه اروپا به‌عنوان مرکز اصلی و تعیین‌کننده قوانین مرتبط با مهاجران و پناهندگان تبدیل شد که هدف اصلی آن مدیریت مهاجرت، حل و فصل مشکلات مرتبط با مهاجران و پناهندگان و بازگرداندن مهاجران غیرقانونی به کشورهای متبوع خود بود (کازرونی، ۱۳۹۴، ۳۵).

روند رو به رشد تعداد مهاجران در دهه ۱۹۷۰ و کاهش متقاضیان جویای کار باعث شد تا کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌منظور محدود نمودن روند افزایشی مهاجرت، برنامه‌ای را تحت عنوان "اسکان مجدد" طراحی نمایند. در ادامه، این کشورها با افزایش همکاری‌های خود در زمینه موضوع

پناهندگی در قاره اروپا، متوجه حرکت به سوی یک سیاست منسجم، دقیق و با محدودیت بیشتر می‌شود. شویم که این موضوع را می‌توان دلیل منطقی پسا حوادث ۱۱ سپتامبر و هم‌چنین ظرفیت‌های محدود و گزینشی اتحادیه اروپا در پذیرش مهاجران بر مبنای نیازهای بازار کار اتحادیه دانست.

قدرت کمیسیون اروپایی در حوزه سیاست خارجی با ایجاد پیمان ۱۹۹۷ آمستردام و پیدایش پست جدیدی تحت عنوان نماینده عالی سیاست خارجی و امنیت مشترک جان دوباره‌ای گرفت، مخصوصاً اینکه بر موضوع آزادی، مردم سالاری، حقوق تک تک افراد و حکومت بر مبنای احترام به قانون تأکید ویژه‌ای شد. پیمان مذکور نخستین ایده جهت تأسیس منطقه اروپایی با قابلیت آزادی افراد (حرکت مردم در مرزها)، امنیت (برقراری امنیت در سطح اتحادیه و احترام به حقوق تک تک افراد) و عدالت را پیشنهاد می‌دهد (موسالو، ۲۰۰۲). کشورهای عضو اتحادیه بر اساس محتوای این برنامه (برنامه ابعاد خارجی)، سعی می‌کنند تا از طریق همکاری با یکدیگر و آسیب‌شناسی موضوع، معضل مهاجرت بی رویه به اتحادیه اروپا را حل و فصل نمایند (کلمنس، ۲۰۱۱، ۱۹). اجلاس سال ۲۰۰۰ شورای اروپا برگ تأییدی برای توسعه موضوع مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا قلمداد شد. توسعه روابط بیرونی اتحادیه در حوزه داخلی و مهاجرت (مدیریت و کنترل مرزها) به عنوان اولویتهای سیاست خارجی اتحادیه مورد توجه ویژه قرار گرفت (اوسووسکا، ۲۰۱۰، ۱۵). از اواخر دهه ۱۹۹۰، اتحادیه اروپا خط مشی و سازوکارهای فنی متعدد و متنوع (با محوریت سیاست‌های مشترک در حوزه پناهندگان و مهاجران در قالب برنامه‌های پنج

ساله) را در چارچوب ابعاد خارجی طراحی و عملیاتی نموده است که تاکنون ۴ طرح تامپره، لاهه، استکهلم و پسا استکهلم در بازه زمانی پنج ساله اجرایی شده است. اخیراً گروهی متشکل از ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا به رهبری دانمارک، به‌طور جمعی خواستار توسعه سیاست‌گذاری‌های مربوط به مهاجرت و پناهندگی شده‌اند و استدلال می‌کنند که مواجهه با افزایش «ناپایدار» ورود غیرقانونی مهاجران در سال‌های اخیر، نیاز به یک راه‌حل‌های نوآورانه دارد. در این بیانیه آمده است که «اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن باید به‌جای تمرکز بر مدیریت مهاجرت غیرقانونی در اروپا به فکر حمایت از پناهندگان و هم‌چنین جوامع میزبان در کشورهای مبدأ (خارج از اتحادیه اروپا) باشند، و نقش خود را در مشارکت‌های برابر، سازنده و گسترده با کشورهای کلیدی، به‌ویژه در مسیرهای مهاجرت افزایش دهند». بر اساس این نامه، امضاکنندگان از «مشارکت‌های جامع، متقابل، سودمند و بادوام» با کشورهای میزبانی که در مسیرهای مهاجرت قرار دارند، حمایت می‌کنند؛ چیزی شبیه توافقات اتحادیه اروپا با ترکیه، تونس و مصر که میلیون‌ها یا حتی میلیاردها یورو از بودجه اتحادیه اروپا را برای افزایش کنترل مرزها اختصاص می‌دهد. به‌دنبال آن، پارلمان اروپا، "پیمان مهاجرت و پناهندگی" [برای انسجام سیستم پناهندگی اروپا، تقویت کنترل‌های مرزی، ممانعت از ورود مهاجران غیرقانونی و مدیریت پناهندگی در دوران بحران] را که یک‌دهه پیش تدوین شده بود، تصویب کرد. هدف از این اصلاحات، تسریع در تصمیم‌گیری در مورد پناهندگی است و کشورهای عضو اتحادیه اروپا را ملزم به اعلام مسئولیت پذیرفته‌شدگان می‌کند. این پیمان بسیار بحث‌برانگیز

بر مرزهای پیرامون اتحادیه و حمایت از اقدامات بیومتریک با هدف افزایش ضریب امنیتی گذرنامه‌ها در برابر جعل عنوان کرد.

ج) طرح استکهلم (۲۰۱۴ - ۲۰۱۰)

متعاقب طرح‌های پنج ساله تامپره و لاهه و به‌منظور پشتیبانی از منطقه‌ای با ویژگی‌های آزادی، عدالت و امنیت در سطح اتحادیه اروپا، طرح پنج‌ساله استکهلم با رویکرد اروپای آزاد و امن برای محافظت از شهروندان و ارائه خدمات به آن‌ها ایجاد شد. این طرح که در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ ارائه شد شامل اولویت‌هایی با محوریت آزادی، عدالت و امنیت، تامین منافع و نیازهای شهروندان، توجه به آزادی‌های بنیادین افراد در عین برقراری امنیت در سطح اتحادیه با تمرکز بر موضوع دهکده جهانی (توجه به بعد خارجی منطقه) بود.

د) سیاست اتحادیه اروپا جهت بازگرداندن مهاجران تحت عنوان "برنامه عمل"

در سال ۲۰۰۲ و به منظور توسعه و ارتقای سطح ارائه خدمات در زمینه موضوع پناهندگی و مهاجرت (بازگرداندن قهری ساکنین غیرمجاز و بازگشت ارادی ساکنین مجاز) و نیز تقویت همکاری کشورهای عضو اتحادیه با کشورهای ثالث جهت مبارزه با مهاجرت های غیرقانونی، این سیاست تحت عنوان اقدام عملیاتی در صدر برنامه‌های اتحادیه قرار گرفت. البته اجرای این طرح با مشکلات عدیده‌ای من جمله بی‌انگیزگی کشورهای غیر عضو اتحادیه به پذیرش دوباره اتباع خود و نامشخص بودن هویت واقعی مهاجران روبه‌رو شد که در این راستا و به‌منظور حل

است. درخواست پناهندگی سالانه به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۳، ۱۸ درصد افزایش یافت و به بالاترین سطح از زمان بحران مهاجرت ۱۶-۲۰۱۵ رسید.

الف) طرح تامپره (۲۰۰۴ - ۱۹۹۹)

اجلاس تامپره را می‌توان اولین اقدام هماهنگ اتحادیه به روش همکاری مشترک در بحث مهاجرت و پناهندگی نامید که بر اساس مفاد پیمان آمستردام با تأکید بر مفهوم امنیت به معنای موسع آن شامل کلیه شهروندان اتحادیه اروپا و اتخاذ رویکردی یکسان در پذیرش درخواست‌های پناهندگی ایجاد شد. این برنامه به موضوع پناهندگان و به‌ویژه پناهندگان غیرقانونی اشاره داشته و محدودیت‌هایی را برایشان در نظر می‌گیرد.

ب) طرح لاهه (۲۰۱۰ - ۲۰۰۵)

با اتمام طرح پنج ساله تامپره در سال ۲۰۰۴، طرح پنج ساله لاهه جایگزین آن شد. هدف این طرح تقویت ابعاد خط مشی مهاجرت و پناهندگی از طریق توسعه همکاری های مشترک با کشورهای مبدأ، ترانزیت و توجه به پذیرش محدود افراد در گستره اتحادیه اروپا بود (کلمنس، ۲۰۱۱، ۱۷). طرح لاهه سبب شد تا کشورهای عضو اتحادیه با همکاری مشترک، زمینه عملیاتی نمودن خط مشی مهاجرت و پناهندگی در سطح اتحادیه را با روندی پایدار و توسعه گرا جهت دستیابی به معیارهای جهانی پیش ببرند. اولویت های این طرح پنج ساله را می‌توان کاهش ضریب ناامنی، افزایش عدالت و آزادی، توسعه آزادی‌های بنیادین، توجه به حقوق تک تک افراد، مبارزه با پدیده تروریسم، تعیین شاخص های عادلانه در برخورد با مهاجران مجاز و غیر مجاز، نظارت بهینه

واگذاری قدرت برخورد با مهاجران به بخش خصوصی، باعث شده تا اتحادیه اروپا تعهدات حقوق بشری خود را به شکل ماهرانه‌ای محدود نماید (اوسووسکا، ۲۰۱۰، ۱۵).

ه) قرارداد (پیمان) اروپایی پناهندگی و مهاجرت

اوج فعالیت‌های اتحادیه اروپا در زمینه پناهندگی و مهاجرت را می‌بایست مربوط به سال ۲۰۰۸ و تصویب نامه شورای اروپا تحت عنوان قرارداد اروپایی پناهندگی و مهاجرت دانست. این پیمان در واقع با گسترش حوزه نفوذ فراملی اتحادیه از طریق افزایش همکاری بین اعضا و گفت‌وگو با دولت‌های ثالث، بر تصمیمات و استراتژی‌های کشورهای در زمینه پناهندگی و مهاجرت تأثیر مستقیم می‌گذاشت. از اولویت‌های این پیمان می‌توان به نظام‌مند کردن مهاجرت، توجه به مهاجرت منظم نیروی کار، جذب مغزها و استعداد‌های کشورهای ثالث برای ورود به اتحادیه اشاره کرد. پیمان مذکور بر همکاری کشورهای مهاجرفرست و مهاجرپذیر جهت بازگرداندن مهاجران غیرقانونی تأکید و انعقاد قرارداد با هدف پذیرش مجدد آن‌ها در سطح اتحادیه اروپا و سطوح ملی را امری غیرقابل اجتناب می‌داند. اجرای این پیمان تا سال ۲۰۱۰ با موافقت سیاستمداران اروپایی روبه‌رو شد (کریستینو، ۲۰۱۶، ۷۸).

و) قانون دوبلین و پیدایش مفهوم دولت امن ثالث

اکنون عموم پناهندگان مجبور هستند تا جهت ورود به کشورهای مورد نظرشان از یک یا چند کشور دیگر (کشور ثالث) عبور نمایند. موضوع کشور امن

مشکلات مطروحه، اتحادیه نسبت به صدور گذرنامه‌های جدید و بیومتریک اقدام نمود (لوشر، ۲۰۲۱).

در راستای ارائه کمک‌های فنی و تکنیکی مطلوب به ویژه به کشورهای ثالث جهت حمایت از ابعاد مختلف پدیده مهاجرت، برنامه "AENEAS" در سال ۲۰۰۴ در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت. طراحی این برنامه بر مبنای کمک به صندوق مالی جهت ارائه کمک به کشورهای ثالث با هدف پذیرش مجدد اتباع طراحی شده است که از موفقیت‌های آن می‌توان به سرمایه‌گذاری ۱۲۰ میلیون یورویی جهت ارائه خدمات به ۱۱۸ پروژه در حوزه مهاجرت و پناهندگی در فواصل سال‌های ۲۰۰۴ - ۲۰۰۶ اشاره نمود (کلمنس، ۲۰۱۱، ۱۹۴). در انتهای سال ۲۰۰۶ و بر اساس مصوبه سال ۲۰۰۴ شورای اروپا، آژانس اروپایی طرحی را تحت عنوان "فرانتکس" و در راستای اجرای برنامه عمل و با هدف تدبیر در انجام اقدامات اجرایی در سطح مرزهای خارجی اتحادیه برنامه‌ریزی کرد. هدف از پیدایش آژانس مستقل ویژه فرانتکس، انجام هماهنگی‌های لازم در بین اعضای اتحادیه جهت برقراری امنیت، پایش و نظارت بر مرزهای پیرامونی اتحادیه می‌باشد (کریستینو، ۲۰۱۶، ۷۷). از دیگر اقدامات اتحادیه اروپا می‌توان به ایجاد شبکه منطقه‌ای تحت عنوان "ماموران مسئول مهاجران" و گروه‌های اقدام سریع مرزی با نماد اختصاری "Rabit" اشاره کرد. اعضای این گروه‌ها که تحت نظارت فرانتکس و از بین کشورهای عضو اتحادیه انتخاب می‌شوند آمادگی دارند تا به محض دریافت درخواست کمک از سوی یک کشور عضو اتحادیه، امداد‌های فنی و اجرایی فوری را ارائه دهند. روند رو به افزایش ظرفیت فرانتکس و از طرفی

خواهد بود. طرح مشارکت تحرک با استفاده از دامنه وسیعی از موضوعات همچون کمک‌های عمرانی و توسعه‌ای، تسهیلات مرتبط با ویزای موقت، برنامه‌های نوبتی مربوط به مهاجرت، مبارزه با مهاجران غیرقانونی و همکاری اثربخش در حوزه پذیرش مجدد مهاجران، نقطه عطفی در عملکرد اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود (کاسارینو، ۲۰۱۰، ۳۲).

ح) اروپا پس از ۲۰۱۶

در این دوران با گسترش ابعاد ناامنی در خاورمیانه و آفریقا، روند مهاجرت‌های غیر قانونی از قسمت مدیترانه به سمت کشورهای واقع در جنوب اروپا همچون یونان و ایتالیا افزایش چشمگیری یافت. طوریکه در سال ۲۰۱۵، با کاهش همکاری میان کشورها، مهاجرت در واقع به نوعی تنش بین آنها مطرح شد (پارکز، ۲۰۱۵). افزایش قابل توجه تعداد مهاجران به اروپا باعث شد تا اتحادیه نسبت به بازبینی ارزش‌های بنیادین خود اقدام نماید. رژیم داخلی اتحادیه در مورد موضوعاتی همچون مسافرت بدون نیاز به پاسپورت و امور مربوط به مرزهای بیرونی دچار فروپاشی شد و مرزهای داخلی مجدداً حصارکشی شدند. همکاری‌های میان کشورهای عضو اتحادیه (مخصوصاً کشورهای جنوبی با کشورهای واقع در قسمت شمالی اتحادیه) در موضوع مهاجرت و پناهندگی با اختلاف و مشکلات عدیده مواجه شد (پارکز، ۲۰۱۵). اتحادیه اروپا به‌عنوان محور قانون‌گذار جهانی موضوع مهاجرت، نقشی انفعالی پیدا کرد. بعضی از پژوهشگران، از جمله دلایل انفعال اتحادیه را عوامل ذیل می‌دانند: غیرقابل حل بودن فوری عوامل و علل دائمی مهاجرت به اروپا، وجود بحران سیاسی در خاورمیانه و اختلاف درآمدی

ثالث اولین بار در بند ۲ ماده ۲۹ کنوانسیون شنگن مطرح شد. البته در کنوانسیون دوبلین (۱۹۹۷)، مقررات و نکاتی در خصوص دولت امن ثالث آورده شده است. در سال ۲۰۰۳ شاخص‌هایی در مورد انتخاب کشورهای عضو اتحادیه به عنوان ناظران شورای اروپا در مدیریت درخواست‌های متقاضیان پناهندگی اعضای دولت‌های ثالث تعیین شد که به "قانون دوبلین" معروف گردید. در این راستا، پناهندگان ورودی به اتحادیه اروپا صرفاً در اولین کشور ورودی مجازند تا درخواست پناهندگی خود را ارائه نمایند و در غیر این صورت، بر اساس مقررات دوبلین (۲)، مجدداً به همان کشور بازگردانده خواهند شد. همچنین، در صورت رد درخواست پناهندگی یک شخص، ایشان دیگر حق ارائه درخواست در سایر کشورهای عضو را نخواهد داشت. معنای دولت امن ثالث، در یک کلام، یعنی پیشگیری از مهاجرت غیرمجاز و مدیریت ابعاد مختلف موضوع پناهندگی و مهاجرت (جیمز، ۲۰۰۵، ۵۶).

ز) طرح "مشارکت تحرک" اتحادیه اروپا و انتفاع از تجربیات کشورهای عضو اتحادیه

با هدف مدیریت مهاجرت‌های قانونی و مبارزه با مهاجرت‌های غیرقانونی، طرحی مفید و نوآورانه تحت عنوان "مشارکت تحرک" توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۷ ارائه شد (اسمیت؛ بریزک، ۲۰۲۰). شد. این طرح در برنامه‌های اتحادیه اروپا به‌ویژه طرح استکهلم ۲۰۰۹ و برنامه عمل مربوط به آن به وضوح مشاهده می‌شود (بین کاک و همکاران، ۲۰۲۰). مطابق این طرح، با هدف پشتیبانی از کلیه طرح‌های ابتکاری مورد تأیید برنامه مشارکت تحرک، بهره‌گیری از همه ابزارهای مالی اتحادیه اروپا لازم الاجرا

در امور پناهندگان با سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) به منظور امداد به پناهندگان آمریکای مرکزی. ایجاد موضوع حقوقی "پناهندگی دیپلماتیک": وجود ارتباط و تاثیر متقابل روابط بین-الملل و حقوق بین‌الملل بر همدیگر باعث شده تا مصادیق مربوط به این حوزه‌ها هم دچار تحول شود. موضوع "پناهندگی به نمایندگی‌های دیپلماتیک" که در خارج از قلمرو تحت حاکمیت دولت‌ها صورت می‌گیرد، بحثی مرتبط با حقوق سیاسی (شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل) قلمداد می‌شود که در موقعیت‌ها و شرایط خاصی به وقوع پیوسته و همواره انعکاس عملکرد کشورها را در پی داشته است. از جمله حقوق مطلق حاکمیتی کشورها می‌توان به موضوع اعطای پناهندگی سرزمینی اشاره کرد که با عرف و ملاحظات حقوق افراد در تضاد نیست. اما اعطای پناهندگی در خارج از محدوده مجاز و در اماکن و نمایندگی‌های دیپلماتیک متعلق به کشورها خارج از قاعده عرفی حاکم بر روابط بین‌المللی است فلذا، برداشت‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد (میرزاده، ۱۳۹۶، ۸۹). عده‌ای آن را یک حق ناشی از مصونیت ذاتی اماکن نمایندگی دیپلماتیک دانسته و گروهی نیز این موضوع را استفاده غیرمجاز از مصونیت دیپلماتیک قلمداد کرده و از این رو حق فراسرزمینی بودن حاکمیت دولت‌ها را علیرغم تأکید برخی از کنوانسیون‌های منطقه‌ای، نادیده می‌گیرند.

فاحش بین اروپا و آفریقا، بحث دهکده جهانی و ایجاد کانالهای ارتباطی جهت سهولت مهاجرت به کشورهای ثروتمند، مهاجرپرست بودن قاره اروپا، وجود بی‌ثباتی در مرزهای اتحادیه و در نتیجه گسترش مهاجرت‌ها به اروپا به شکلی که اکنون در فرانسه، هلند، دانمارک و سوئد حاکم است (زیک، ۲۰۱۵).

۵-۲-۲. در سطح آفریقا

از علل عمده پیدایش بحث پناهندگی در آفریقا را شاید بتوان واماندگی در حوزه اقتصاد، استمرار عدم بارش‌های سالانه مطلوب و کم آبی، منازعات نظامی و تحمیل استعمار از سوی بیگانگان دانست. به استناد مصوبه کنوانسیون ویژه دولت‌های عضو سازمان وحدت آفریقا مرتبط با استعمارزدایی، کلیه اشخاص مشمول کنوانسیون ۱۹۵۱ و هر فردی که به علت تعارض بیگانگان، تصرف سرزمین و یا سایر اقدامات مخدوش کننده انضباط همگانی در بخش یا سراسر سرزمین اصلی، مجبور به ترک کشور خویش گردد و در صدد اخذ پناهندگی در خارج از سرزمین اصلی و یا کشور خود برآید، پناهنده قلمداد می‌شود.

۵-۲-۳. در سطح آمریکای لاتین

با هدف پشتیبانی بین‌المللی از پناهندگان در آمریکای مرکزی، مکزیک و پاناما، اعلامیه‌ای در سال ۱۹۸۴ و تحت عنوان کارتاژنا برای کمک به اشخاصی که بر اثر تندخویی، تعارض بیگانگان، درگیری‌های داخلی، نقض حقوق افراد و مخدوش شدن انضباط همگانی، امنیت خود و خانواده‌شان را در معرض خطر احساس کرده و از این رو اقدام به ترک وطن کرده اند. حضور جدی و همکاری کمیساریای عالی ملل متحد

۶. نتیجه

ایجاد تحول در مفهوم پناهندگی و رفتار دولتها در طول تاریخ و به‌ویژه قرن اخیر کاملاً مشهود است. در اوایل قرن بیستم به دلیل تغییرات سیاسی و اجتماعی متعدد در ساختار جهان و گسیل امواج پناهندگان، شاهد دگرگونی‌ها و تغییرات بسیار زیاد در حوزه قانون‌گذاری مهاجرت در اروپا در حرکت به سوی یک خط مشی پایدار، دارای محدودیت و سختگیرانه تر بوده‌ایم که این مهم ارتباط مستقیمی با دیدگاه امنیتی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و توانایی اروپا در پذیرش و ادغام درخواست‌های جدید مهاجران دارد. وجود ارتباط و تاثیر متقابل روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل بر همدیگر باعث شده تا مصادیق مربوط به این حوزه‌ها هم دچار تحول شود.

موضوع "پناهندگی به نمایندگی‌های دیپلماتیک" که در خارج از قلمرو تحت حاکمیت دولتها صورت می‌گیرد، بحثی مرتبط با حقوق سیاسی (شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل) قلمداد می‌شود که در موقعیت‌ها و شرایط خاصی به وقوع پیوسته و همواره انعکاس عملکرد کشورها را در پی داشته است. از جمله حقوق مطلق حاکمیتی کشورها می‌توان به موضوع اعطای پناهندگی سرزمینی اشاره کرد که با عرف و ملاحظات حقوق افراد در تضاد نیست. اما اعطای پناهندگی در خارج از محدوده مجاز و در اماکن و نمایندگی‌های دیپلماتیک متعلق به کشورها خارج از قاعده عرفی حاکم بر روابط بین‌المللی است فلذا، برداشت‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد. عده ای آن را یک حق ناشی از مصونیت ذاتی اماکن نمایندگی دیپلماتیک در نظر می‌گیرند و گروهی نیز این موضوع را استفاده غیرمجاز از مصونیت

دیپلماتیک تصور کرده و از این رو حق فراسرزمینی بودن حاکمیت دولتها را علیرغم تأکید برخی از کنوانسیون‌های منطقه‌ای، نادیده می‌گیرند.

در حال حاضر، تعیین وضعیت پناهندگی در سطح جهان بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ صورت می‌پذیرد. این دو سند قانونی صرفاً شامل کسانی می‌شود که بر اساس تعاریف موجود در آن، پناهنده شناخته می‌شوند. تعیین حقوق پناهندگان اهمیت بسزایی دارد، زیرا بر اساس یک عرف حقوق بین‌المللی، پناهندگان از کمینه حقوق استاندارد تعیین شده برای بیگانگان برخوردار هستند. از جنبه نظری و حقوقی موضوع پناهندگان همواره به عنوان یک دغدغه بین‌المللی مطرح بوده است، اما قواعد و مقررات پناهندگی به سبب فقدان پشتوانه اجرایی قوی، در هنگام عمل با مشکلات فراوانی مواجه بوده است و پذیرش پناهندگان از سوی دولتها و جوامع بشری بی قید و شرط نبوده است.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که در قوانین و اسناد بین‌المللی مرتبط با پناهندگان کاستی‌هایی وجود دارد، لذا طرح‌ریزی یک کنوانسیون بین‌المللی قوی با مشارکت و همکاری دولتها در به رسمیت شناختن و رعایت دقیق و کامل حقوق آنها می‌تواند تضمین‌کننده یک زندگی بزرگ‌منشانه برای بشر باشد.

پناهندگان در کنار برخورداری از امنیت اجتماعی، وظیفه دارند تا بر اساس ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱، مقرراتی را به نفع دولت میزبان رعایت کنند. حال سؤال این است که آیا پناهندگی یک حق است و دولتها مکلف به اعطای پناهندگی هستند؟ در پاسخ باید بیان داشت اشخاص در معرض ترس و خطر

صورت امتناع کشور مبدا از پذیرش مجدد آن‌ها در معرض خطر بازداشت طولانی مدت خواهند بود. کودکان چه به تنهایی و چه به‌عنوان عضوی از خانواده در معرض بازداشت خواهند بود. در نتیجه این طرح، وضعیت مهاجران جدید در کشورهای واقع در مرزهای خارجی اتحادیه اروپا ممکن است دشوارتر شود. این افراد موظف خواهند بود در اولین کشور اتحادیه اروپا که به آن وارد شده‌اند بمانند؛ این بدان معنی است که این افراد باید در کشورهایی در حاشیه جنوبی و شرقی اتحادیه اروپا بمانند که فاقد منابع و زیرساخت‌های لازم هستند.

این طرح هم‌چنین برای افرادی که وارد این کشورها می‌شوند، پیوستن مجدد به اعضای خانواده‌شان را که در دیگر کشورهای اروپایی حضور دارند، دشوارتر می‌کند. این خطر بسیار واقعی وجود دارد که این طرح به‌عنوان توجیهی برای محرومیت و مجازات افرادی که به صورت مستقل و نامنظم وارد اتحادیه می‌شوند، استفاده شود. در این مورد، پناهندگان و سایر مهاجرانی که تصور می‌شود از «صف اسکان مجدد و مهاجرت منظم» عبور کرده‌اند، می‌توانند با توجه به ماهیت گسترده مفاد طرح و پتانسیل‌های احتمالی، در معرض رفتار غیر انسانی‌تر از آنچه در حال حاضر وجود دارد، قرار بگیرند.

محق خواهند بود تا درخواست‌های پناهندگی خود را به کشورهای مدنظرشان ارائه دهند و کشورهای مورد درخواست نیز مکلف به پذیرش این‌گونه افراد هستند. البته باید توجه داشت که کشورها عموماً در عمل بر اساس مصالح، منافع و سیاست‌ها و هم‌چنین رعایت موازین اخلاقی و دینی خود در پذیرش پناهندگان اقدام می‌کنند. اصل بازنگرداندن پناهندگان به‌عنوان یک اصل ضروری حقوق بین‌المللی که در کنوانسیون ۱۹۵۱ نیز به آن اشاره شده است را شاید بتوان هسته مرکزی چالش‌های مرتبط با حمایت از پناهندگان دانست.

اگر دولت‌ها قادر باشند تا پناهندگان را از ورود به کشورشان بازداشته و یا اخراج نمایند، آنگاه مسئله پناهندگی در این دولت‌ها عملاً منتفی خواهد بود که بدین منظور، اعطای پناهندگی موقت تا زمان یافتن محلی برای اسکان دائمی پناهنده یا بازگشت داوطلبانه پناهنده به سرزمین مادری‌اش می‌تواند راه حلی جایگزین تلقی شود. هدف اصلی سیاست حمایت بین‌المللی از پناهندگان باید در جهت یافتن راه‌حلی پایدار به منظور ایجاد شرایطی ایدئال برای آن‌ها باشد.

پارلمان اروپا در آوریل ۲۰۲۴ با آنچه اصلاح قوانین اتحادیه در مورد مهاجرت و پناهندگی خوانده شده، موافقت کرد و طرح قانونی را که به‌اصطلاح پیمان مهاجرت و پناهندگی جدید را تشکیل می‌دهند، تصویب کرد. بر اساس مفاد این طرح، افرادی که دارای تابعیتی باشند که میزان پذیرش پناهندگی آن‌ها کمتر از ۲۰ درصد است، باید در مرز نگه داشته شوند. در واقع این افراد تحت بازداشت قرار خواهند گرفت. در نتیجه این طرح، پناهجویان ناموفق نیز در

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

جمشید ممتاز، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

— موسی زاده، ابراهیم؛ کهریزی، رزیتا، بررسی و تحلیل حقوق پناهندگی در نظام داخلی و حقوق بین الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۶.

— موسی زاده، رضا؛ آذرپندار، احمدرضا، «سیر تحول تبیین مفاهیم پناهنده و پناهجو»، مجله سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره یکم، بهار ۱۳۹۷.

— میرزاده، سیدمحمدحسین، رویکرد امریکای لاتین نسبت به پناهندگی دیپلماتیک، چاپ اول، تهران، انتشارات قدس، ۱۳۹۶.

— هاثاوی، جیمز، «حقوق پناهندگان در قوانین حقوق بین الملل»، مجله دانشگاه کمبریج، شماره سه، ۲۰۲۱.

لاتین

— Cassarino, Jean-Pierre, «Readmission Policy in the European Union», European University and Institute Migration Policy Center. Available at: <http://www.eui.eu/.. /EU,2010>.

— Castello, Michelle Foster and MC, Adam, The Oxford Handbook of International Refugees Law, First Edition, New York, Press Oxford University.

— Clemens, Michael A, «Economics and Emigration Trillion-

— حاتمی، مهدی؛ ساعدی، بهمن؛ شهسواری، احسان، «وضعیت حقوقی بیگانگان در نظام حقوقی ایران در پرتو انسانی شدن حقوق بین الملل»، نشریه حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۴.

— رزمخواه، نجمه، «تحلیل ابعاد حقوقی پناهندگی در چارچوب نظام حاکم بر جامعه بین المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی، شماره هفده، ۱۳۹۹.

— سیفی اتشگاه، بابک، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه امامیه و کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو»، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، شماره دهم، پاییز ۱۳۹۹.

— علی نژادداسرا، محمدمهدی و تاجیک قلعه، محسن، «قواعد حاکم بر پناهندگی در حقوق بین الملل»، تهران، دومین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی، ۱۴۰۱.

— قدیر، محسن؛ کاظمی فروشانی، حسین، «بررسی پدیده پناهندگی از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۹۷.

— کازرونی، سید مصطفی؛ پناهندگی در حقوق بین الملل، انتشارات نگاه بینه، تهران، ۱۳۹۴.

— کیهانلو، فاطمه، تعریف پناهنده در پرتو آراء محاکم قضایی بین المللی، رساله دکتری، به راهنمایی استاد

Available at: <http://www.kwm.com/en/de/knowledge/insights/overview-offoreign-direct-investment-in-africa-20150316>, 2015.

– Pin Cock, Kate; Betts, Alexander and Easton, Evan, Refugees as Providers of Protection and Assistance, second edition, Cambridge, Cambridge University Press, 2020.

– Smith, Tom Scott and Breezec, Mark E, Structures of Protection, First Edition, Cambridge, Publishers University of Cambridge.

– Zieck, M, « Guidelines on International Protection Prima Facie Recognition », Journal International Legal Materials, No. 11, 2015.

Dollar Bills on the Sidewalk?», Journal of Economic Perspectives, No. 3, 2011.

– Cristiano d’Orsi; Asylum-Seeker and Refugee Protection in SubSaharan Africa; Published by Routledge, New York, 2016.

– Easton, Evan, Refugees- Self – Reliance- Development, First Edition, Bristol, Bristol University Press, 2022.

– James C. Hathaway, The Rights of Refugees Under International Law, New York, Cambridge University Press, 2005.

– Loescher, Gil, Refugees A Very Short Introduction, Third edition, New York, Oxford University Press, 2021.

– Mitsilegas, Valsamis,, Ryan, Bernard, Migration Control at Sea The Italian Case Extraterritorial Immigration Control Legal Challenges, First edition, Italy, Martinus Nijhoff Publishers. 2010.

– Musalo, Karen, « Claims for Protection Based on Religion or Belief Analysis and Proposed », www.un.org, 2002.

– Osowska, Dorota, « Readmission Agreements beyond Legislation », available at: <http://cadmus.eui.eu>, 2010.

– Parkes, D, « Overview of Foreign Direct Investment in Africa »,